

لایحه جدید اصلاح قانون تأمین اجتماعی : محکم تر کردن زنجیر ها بر دست و پای کارگران

هشدار به کارگران ! ؛ دانشجویان ! جوانان ! بیکاران ! ؛ بازنشستگان !

افزایش تورم سرسام آور و گسترش خط فقر مطلق

اختلاف و تضاد طبقاتی در ایران به نهایت خود رسیده است ؛ با تورم های نجومی و ۲۰۰ و ۳۰۰ درصدی ؛ ثروت و نعمات مادی جامعه هر چه بیشتر قطبی شده در یکطرف دولت بعنوان بزرگترین سرمایه دار ؛ دولتمداران ؛ اعوان و انصار و سرمایه داران نوکیسه و همه آنان که دارای ثروت و منابع مادی جامعه هستند روز بروز توانمندتر و پروارتر شده و سفره طبقات زحمتکش و محروم و حتی طبقه متوسط روز بروز خالی تر و فشار زندگی برای تأمین حداقل ها و معیشت روزانه سخت تر و طاقت فرساتر می شود .

در تورم - بخصوص تورم های بالا - بدهکاران برنده و طلبکاران بازنده هستند ؛ دولت بعنوان بزرگترین بدهکار بخاطر کسر بودجه های بزرگ ؛ پول با قدرت کمتر را به طلبکاران باز خواهد گردانید از طرف دیگر ارزش ناشی از فروش نفت را با قیمت بیشتری در بازار می فروشد و این خود به افزایش تورم منجر می شود . سرمایه داران ؛ صاحبان زمین و مسکن و برج ها ؛ صاحبان کالاهای انباشته و اغنیاء نیز جزو برنده گان این نبرد طبقاتی هستند . نتیجه تمام این فشارها روی دوش حقوق بگیران که درآمد ثابتی دارند ؛ بخصوص کارگران ؛ معلمان ؛ پرستاران ؛ کارمندان جزء بازنشستگان و بیکاران بوده و آنها را هر چه بیشتر مستأصل و ناتوان خواهد کرد .

تورم فقط بازنده ندارد . برنده هم دارد ؛ برنده دولت و طبقات مرفه ؛ سرمایه داران و اغنیاء هستند

تورم در سال های اخیر دهها هزار شغل را از کارگران ربوده و آنها را بیکار و خانواده های آنها را متحیر و مستأصل بحال خود رها کرده است . در بیکاران ؛ افسرده گی ناشی از بیکاری وقتی با اضطراب کسب نان در هم می آمیزد عزت نفس را می گیرد و بسیاری را به تأمین حداقل ها به هر وسیله و لو غیر عرفی مجاب می کند . بیکاری هویت افراد را از آنان می گیرد . فروش اموال ؛ اجبار رها کردن تحصیل فرزندان و اقدام بکار طاقت فرسا و تکدی گری ؛ فروش اندام انسانی ؛ از جمله بازار آزاد پر رونق فروش کلیه ؛ دیگر تبعات این فقر و فلاکت هستند .

تورم هر چه بیشتر قربانی می گیرد ؛ خیل جوانانی که به دلیل افسردگی های ناشی از ناکامی های گوناگون به دام افیون اعتیاد متقاضی هستند . بازار آزاد ؛ تقاضای مواد مخدر ایجاد کرده و لذا می بایست تولید و عرضه هم کرد و باز هم اینجا همان طبقات مرفه و سوداگر ؛ و بخش هایی از دولتمداران که وظیفه شان عرضه مواد مخدر است حاضر و آماده بکارند . میلیون تن مواد مخدر در فرودگاه کشف می شود اعلام می شود که متعلق به سازمان درمان ؛ بهداشت و است . آنها هم منکر می شوند . مواد مخدر گم و خبر فراموش می شود و دیگر هیچ کسی خبر از سرنوشت آورنده و توزیع کننده مواد مخدر ندارد اما سرنوشت مصرف کننده در جلوی چشمان همه قرار دارد . مسئول گسترش بزهکاری بخصوص در سنین ۲۵ - ۱۶ نتیجه عملکرد حاکمیت در استقرار نظام اقتصادی - اجتماعی موجود است که زتذکی مردم و سرنوشت آنها را احاطه و در ید قدرت خود دارد . گسترش اعتیاد و فحشاء نتیجه گسترش بیکاری ؛ تورم و بی خانمانی و بی آینده گی است .

هیچ دانشجویی در حال تحصیل اگر در بهترین رشته ها نیز تحصیل می کند ؛ اما وابسته به طبقات مرفه و رانت خواران ؛ دولتمداران و سرمایه داران نباشد هرگز رؤیای خرید مسکن که نه ؛ حتی اجاره یک مسکن حداقلی را در شهرهای بزرگ را نمی تواند در سر بپروراند .

دولت‌ها معمولاً در شرایط بحران حمایت‌های اجتماعی خود را افزایش داده؛ مالیات ثروتمندان را بیشتر و طبقات زحمتکش و حقوق‌بگیر را کاهش و تأمین اجتماعی؛ اعم از درمان؛ بهداشت؛ آموزش و کمک هزینه‌ها را افزایش می‌دهند اما نظام حاکم در ایران نه تنها چنین برنامه‌ای ندارند بلکه با تغییر قوانین؛ با صدور بخش‌نامه و آیین‌نامه‌های جدید؛ حداقل حمایت‌های اجتماعی را که هم‌اکنون وجود دارند را قطع می‌کنند. فقر و فلاکت را گسترده‌تر و زنجیرهای اسارت را بر پای کارگران و زحمتکشان محکم‌تر می‌کنند.

نمونه اخیر آن؛ لایحه اصلاح قانون تأمین اجتماعی است؛ که در واقع قطع حمایت‌های حداقلی قانون فعلی است. بحران‌های متعددی نظام حاکم بر ایران را فرا گرفته است و مجبور شده ماجراجوترین جناح‌های داخلی خود را که دولت احمدی‌نژاد است را بر سر کار آورد؛ تا در مورد حذف یارانه‌ها و حذف نظام تأمین اجتماعی اقدامات ریشه‌ای را به سرانجام برساند (هر چند این ماجراجویان گاهی با هم دست به یقه هم می‌شوند؛ اما در اساس تحکیم این نظام اقتصادی - اجتماعی که گرایش ویژه‌ای از نظام سرمایه‌داری است هدف مشترک دارند). در این راستا بر طبق سیاست‌های جهانی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بطور هماهنگ عمل می‌کنند آقای میر تاج‌الدینی معاون احمدی‌نژاد می‌گوید "سیاست حذف یارانه‌ها موفق بوده و دلیل آنهم آنستکه که صندوق بین‌المللی پول آنرا تأیید کرده است". دولت مهر ورز هم برای اجرای برنامه‌های خود سراغ مهره‌هایی که دارای سوابق و پرونده‌ی کاملاً سیاه در انظار مردم دارند می‌رود. طراحان قطع حمایت تأمین اجتماعی؛ قانون ناقص و ابتر تأمین اجتماعی کنونی را هم تاب تحمل ندارند و اصلاحیه‌ای را ارائه می‌دهند که در ضدیت آشکار با کلیت قوانین بالادستی خودشان نظیر قانون اساسی؛ سند باصلاح چشم‌انداز و توسعه هزاره و اصول و سیاست‌های کلی در حوزه تأمین معیشت و تأمین اجتماعی است.

یعنی وقتی پای منافع جلو می‌آید قضایای فیثاغورث هم انکار و هیچ اصلی جز جنون منفعت‌طلبی کار برد ندارد. بقول فقهی آن می‌توان نماز و روزه و حج و حتی توحید را هم تعطیل کرد و همه قراردادهای فی‌مابین دولت و مردم را معلق نمود.

در حال حاضر دولت به پیمانکاران بدهکار است و با توجه به گسترش حضور مافیاهای اقتصادی و گسترش بیکاری‌ها و طرح آزادسازی قیمت‌ها و تغییر پایه پولی و سقوط ارزش ریال در برابر دیگر ارزها؛ در چنین شرایطی مجلس و دولت بدنبال جلب رضایت کارفرمایان سرمایه‌دارن و پیمانکاران هستند؛ در این شرایط بردن لایحه اصلاحیه تأمین اجتماعی به مجلس یعنی به مسلخ کشاندن آن بویژه که معمولاً پول تبلیغات انتخابات - قلابی - ریاست جمهوری را کارفرمایان و سرمایه‌داران می‌پردازند؛ در این مقطع زمانی مفهوم خاصی پیدا می‌کند.

می‌دانیم که سازمان تأمین اجتماعی از پرداخت حق بیمه کارگران ایجاد شده و دولت در تأمین منابع آن دخالتی ندارد. هر چند دولت از امکانات سازمان تأمین اجتماعی بسیار گسترده استفاده می‌کند اما هزینه استفاده از این امکانات را به صاحبان و مالکان آن که کارگران هستند پرداخت نمی‌کند. دولت‌ها حق تصمیم‌گیری و جابجایی منابع سازمان تأمین اجتماعی را که اندوخته کارگران است را ندارند و می‌بایست در رأس این سازمان نماینده‌گان تشکل‌های سراسری و واقعی کارگران و بازنشستگان از سراسر کشور تصمیم‌گیری کنند. بطوریکه همواره منافع حال و آینده آنان را تأمین نماید.

جوانان و دانشجویان لایحه اصلاح قانون تأمین اجتماعی؛ همچون دیگر لوایح جدید از جمله قانون کار، بیمه بیکاری بخش کمتری از زندگی و معیشت بازنشستگان و بخشی زیاد و کم؛ از طول زندگی شاغلین فعلی را هدف قرار داده اما برای شما که شاغلان فردا هستید سراسر زندگی و عمرتان در تیرس آن قرار دارد. این لوایح یعنی قانونی کردن بی‌حقوقی؛ و سخت‌ترین تهاجمات به سطح معیشت و تأمین یک زندگی انسانی است بخصوص برای کسانی که در طی سال‌های آتی کار را شروع می‌کنند. مقابله با چنین قوانین اسارت‌بار نه تنها وظیفه کل شاغلین؛ بازنشستگان و هر انسان آزادیخواهی است بلکه یکی از نیروهای پایه‌ای مقابله با آن می‌بایست از طرف نیروی کار فردا؛ یعنی شما دانشجویان و جوانان شکل بگیرد

همانطور که در فرانسه در تقابل با لایحه دولت برای افزایش دو سال سن بازنشستگی ؛ دانشجویان و جوانان در عرصه مبارزه بطور متحد وارد عمل شدند ؛ در اصلاحیه جدید قانون تأمین اجتماعی یکجا پنج سال سن بازنشستگی افزایش می یابد . این تازه تنها بخش کوچکی از بی حقوقی تدارک دیده شده برای ارتش و نیروی کار آتی است ؛ بعبارت دیگر دامنه ضد بشری این لایحه بسیار گسترده تر از یک قلم افزایش پنج سال بازنشستگی است . می توانید بخش هایی از این بی حقوقی را در این نوشتار ببینید و مطمئن هستیم که ابعاد واقعی سلب حقوق انسانی در محتوای قانون و آئین نامه های مرتبط با این لایحه که تهیه و تصویب آن به کمیته های مختلف در آینده محول شده بسیار فراتر از چیزی است که در این مقاله به آن پرداخته می شود .

تنها امروز را داریم ؛ فردا دیر است زیرا وقتی لایحه تصویب شد زنجیر ها را محکم کرده اند .

گذشته سازمان تأمین اجتماعی

بیاد آورید که سازمان تأمین اجتماعی بزرگترین سازمان حمایتی ؛ با امکانات مالی ؛ سرمایه گذاری ؛ کارخانجات و تأسیسات و بناها و ساختمان های بسیار گسترده از اندوخته کارگران تشکیل شده است . تمامی کارکنان دیگر بخش ها از جمله کشوری و دولتی ؛ لشکری و غیره در مقایسه با سازمان تأمین اجتماعی کارگران همواره رشک آنرا می بردند و تلاش می کردند بازنشستگی خود را از طریق سازمان تأمین اجتماعی محقق کنند تا از حقوق ؛ مزایای و تأمین اجتماعی بهتری بهره مند شوند اما هم اکنون با سیاست گذاری و عملکرد حاکمیت در دوران سی ساله سازمان تأمین اجتماعی به مرحله ورشکستگی رسیده است و این فقط و فقط بلحاظ آن بود که حکومتیان تمام هستی آنرا به تاراج برده و از منابع آن بی دریغ هزینه نمودند نگاه حاکمیت به منابع سازمان تأمین اجتماعی همانند یک گنج باد آورده است . این بجهت آنست که ماهیت دولت و حامیانش تا مغز استخوان ضد کارگری است . همین دولت وقتی پای دیگر صندوق های بیمه ای نظیر لشکری ؛ صندوق اختصاصی نفت و آینده ساز پیش می آید ؛ سهم بسیار بیشتری بعهده می گیرد .

از دهه شصت هر گونه دخل و تصرفی غیر قانونی در سازمان تأمین اجتماعی شروع شد و به هر بهانه سازمان و پشتوانه مالی آن هدف قرار گرفت . در سال ۱۳۶۲ برای حمایت از سرمایه داران بیمه کارگاههای تا پنج نفر حذف شدند و در کارگاههایی که بیش از پنج نفر کارگر داشتند کارفرما موظف به بیمه کردن مازاد بر پنج نفر بود . کلیه بیمارستان های سازمان تأمین اجتماعی موظف به مداوای رایگان گروههایی شدند که دولت وظیفه داشت هزینه آنها را تا بهبودی کامل تأمین کنند . دولت در مورد صندوق سازمان ؛ سیاست های غیر بیمه ای و حمایتی در پیش می گیرد و از محل اندوخته و پولی که بیمه شده گان تأمین اجتماعی می پردازند بطور رایگان به اقشار دیگر می دهد . طی این سال ها تمام گروههای اجتماعی که هیچ گونه ارتباطی به سازمان تأمین اجتماعی نداشتند تحت پوشش آن در آمدند در حالیکه ؛ بانک های متعلق به مقامات دولتی و خصوصی ؛ سرمایه داران و تنها ذره و گوشه ای از بودجه های کلان ؛ نجومی و سرسام آوری که برای سازمان هایی اعم از وزارت خانه های عریض و طویل و بدرد نخور ؛ ادارات گسترده ؛ شورای نگهبان ؛ حوزه های علمیه ؛ مجلس تشخیص مصلحت ؛ و ریخت و پاش های میلیارد دلاری که جاری است را دولت به بهترین نحوی می تواند کل مشکلات نیازمندان را حل نماید نه اینکه آنان را که هیچ ارتباطی به ذخیره کارگران و بازنشستگان ندارند را با سازمان تأمین اجتماعی مشترک نماید . از جمله این گروهها حدود ۷۰/۰۰۰ روحانی درس کهنوت و بالای پنجاه سال و از جمله ۴۵۰ ائمه جمعه ؛ قاریان ؛ خدام مساجد ؛ سوارکاران ؛ مداحان ؛ گروههای تعذیه خوانی ؛ رزمنده گان و بسیجیان ؛ مددجویان زیر کمیته امداد ؛ مجریان طرح خود اشتغالی بنیاد شهید ؛ کلیه کسانی که در جریان انقلاب پنجاه و هفت و سپس جنگ هشت ساله دچار حادثه ؛ نقص عضو شدند ؛ همچنین خانواده های بی بضاعت ؛ خانواده های اسرا ؛ شهدا و همه بطور رایگان می بایست از بودجه و درمان تأمین اجتماعی بهره مند شوند .

این گروهها در طی این سی و چند سال بتدریج بر طبق قوانین مصوب مجلس و لوایح دولتی ؛ تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی قرار گرفتند . هم اکنون طرح ادغام صندوق ورشکسته بازنشستگی فولاد در سازمان تأمین اجتماعی و یا ادغام دفاتر اسناد پزشکی سازمان تأمین اجتماعی در سازمان بیمه سلامت جزو سیاست های بنیان برانداز دولت بر علیه سازمان تأمین اجتماعی است در حالیکه

دولت می بایست هزینه آنها را نه از اندوخته کارگران بلکه از کاهش بودجه دولتی؛ ممانعت از اختلاس و رانت و سودجویی و از مالیات سرمایه داران تأمین می نمود. اما دولت و مجلس می خواهند از جیب سازمان برای ترویج ازدیاد جمعیت استفاده کنند و یا برای طرح های اشتغال زایی و نظایر آن و همچنین طرح بازنشستگی طبق قانون نوسازی صنایع که دولت می بایست هزینه آنرا تأمین می کرد بر دوش سازمان تأمین اجتماعی قرار دادند. باید از دست اندازی؛ سوء استفاده و سرقت منابع سازمان از طرف دولت و مجلس جلوگیری کرد.

بازنشستگان و کارگران که ثروت امروزی را تولید کرده اند؛ امروزه به فراموش شده گان اقشار اجتماعی تبدیل شده و یا از نظر حاکمیت خود و خانواده شان که حدود هشت میلیون جمعیت را تشکیل می دهند مازاد بر جمعیت کشور محسوب می شوند

اصلاحیه جدید دولت در قانون تأمین اجتماعی

شرایط دهشت بار اقتصادی و تورم افسار گسیخته کنونی را در نظر بگیرید و تصور کنید حال این حقوق اندک و ناچیز فقر شدید را
بعناوین مختلف قطع و یا آنرا کاهش دهند؛ تلاش کنند تأمین اجتماعی حداقل و ناچیز کنونی را حذف کنند. این اقدامات چیزی جز
تلاش برای گرفتن هستی و زندگی کارگران؛ مفهوم دیگری دارد؟

بررسی و تحلیل لایحه اصلاحی تأمین اجتماعی از حوزه ها و زوایای مختلف قابل بررسی است:

با عدم مسئولیت پذیری در حوزه درمان؛ لایحه هزینه ها را بعهدہ کارگران قرار داده است طرح بیمه و درمان تکمیلی با پرداخت هزینه های فوق العاده توسط کارگران و بازنشستگان را قانونی کرده؛ میزان پرداختی حق بیمه توسط کارگران را افزایش و پرداخت دولت به تأمین اجتماعی که یکی از وظایف مسلم دولت می باشد را حذف کرده است. بخش هایی که درمان آن هزینه زیادی دارد را به خود بیمار واگذار کرده است. سن بازنشستگی کارگران را افزایش داده است. خدمات درمانی تأمین اجتماعی را کاهش داده است. شرایط نیل به بازنشستگی کار سخت و زیان آور و از کارافتادگی را شدت بخشیده؛ فروش بیمارستان ها و مراکز خدمات درمانی را قانونی و هزینه های درمانی دولت را بعهدہ تأمین اجتماعی گذاشته است. سابقه کار کارگران را دود کرده و بهوا می دهد. کاهش دستمزد کارگران را قانونی می کند. در اینموارد؛ بررسی های زیاد انجام و مقالات متعددی نگاشته شده؛ که در عرصه مجازی و اینترنتی می توان به آنها مراجعه نمود.

در اینجا به بخش هایی که حقوق مسلم و پایه های کارگران را اساسا نفی می کند اشاره می شود:

۱- در ماده ۶۹ لایحه اصلاحیه آمده است "چنانچه مستمری بگیر بموجب قانون و حکم دادگاه از دریافت مستمری محروم شود؛ اعضای تحت تکفل وی می توانند استفاده کنند"

سرمایه تأمین اجتماعی از محل اندوخته های کارگران ایجاد شده است. یعنی کارگر در دوران کار مبالغی از حقوق خود را برای دوران ناتوانی؛ از کار افتادگی و پیری؛ پس انداز می کنند. اگر کسی تحت عنوان قانون وی را از بهره مندی از اندوخته خود محروم کند آیا جز بمفهوم غصب حق زندگی نیست؟ اگر کسی در سن بازنشستگی از حقوق خود محروم شود و با توجه به بیکاری وسیع و گسترده که برای جوانان و متخصصین هم کار کم است آیا قطع حقوق جز بمفهوم اعلام حکم اعدام کارگران و بازنشستگان چیز دیگری

است؟ طبق همین قانون اساسی حکومت حق ندارد افراد را از استفاده از حاصل زندگی خود محروم کند. ماده ذکر شده (۶۹) در هیچ قانون تأمین اجتماعی وجود ندارد. در قانون فعلی تنها سوء استفاده کننده گان از تأمین اجتماعی مشمول جرائم می شوند و مبلغ جریمه از سوء استفاده کننده - اگر دولت سرمایه دار و کارفرما باشد جرائم بخشوده می شود - کسر می شود. محرومیت از دریافت

حقوق هیچ مفهوم قانونی و حقوقی ندارد. و این خود یک شمشیر در بالای سر هر بازنشسته ای است. یعنی اگر بازنشستگان حقوق واقعی خود را مطالبه کند بنا به قانون قرون وسطایی می توان تمام حقوق وی را قطع نمود غ یعنی وی را به مرگ محکوم کرد. اگر بازنشسته افراد تحت تکفل نداشته باشد کل حقوق وی قطع می شود و اگر همسرش تحت تکفل باشد بر طبق همین قانون تنها پنجاه درصد میزان دریافتی بازنشسته به همسرش می رسد و فرزند پسر بیش از هیجده سال و یا دختر وی اگر ازداواج کرده باشد؛ تحت تکفل بازنشسته محسوب نمی شود و اگر فرزند واجد شرایطی داشته باشد طبق همین قانون تنها بیست درصد حقوق مستمری بگیر بوی تعلق می گیرد؛ و بازنشسته می بایست با مراجعه به افراد تحت تکفلش درخواست پول برای خرید یک عدد نان در روز نماید.

اساساً تأمین اجتماعی یک پدیده مدرن و در فرون اخیر و پس از مبارزات جهانی کارگران بر علیه سرمایه داران ایجاد شده است و پس از انکشاف و گسترش دوران سرمایه داری برای ثبات نظام سرمایه داری و حمایت نسبی از طبقات استثمار شونده و محروم پایه گذاری شده تا خطر انقلاب را خنثی کند. قبل از دوران سرمایه داری؛ یعنی در دوران گله داری؛ برده داری؛ و فئودالیسم نظام تأمین اجتماعی فاقد معنی بوده است. اما وقتی حاکمیت سرمایه با بحران مواجه می شود اولین اقدامش خالی کردن سفره کارگران و مردم زحمتکش بوده؛ تعهدات دولت محو می شود؛ دولت در این مرحله تأمین اجتماعی را به مرتجع ترین و واپس مانده ترین جناح ها که از عمق فقه و قوانین دوران برده و دآمداری بر آمده می سپارد و افرادی واپس گرا امثال سعید مرتضوی ها را بر سازمان تأمین اجتماعی می گمارد تا آنها را از محتوای خالی کرده و در طی زمان و تحت عناوین مختلف آنها کم و کمتر کرده تا جائیکه اساساً تصمیم به حذف نه تنها تأمین اجتماعی بلکه حقوق و دارایی کارگران و بازنشستگان بگیرند. این احکام قلع و قمع نه تنها شامل حال کارگران کنونی است بلکه نیروی کار آینده را به پای سرمایه داران و دولت آنها قربانی می کند.

قانونی کردن کاهش دستمزدها

طبق ماده ۹۶ قانون فعلی دولت می بایست سالیانه به تناسب افزایش هزینه ی زندگی؛ حقوق کارگران و مستمری بگیران را افزایش دهد که بجهت عدم همبستگی و اتحاد کارگران؛ فعلاً این قانون در عمل نقض می شود و بهر میزان که برای حفظ سرمایه تشخیص دادند افزایش می دهند. در این راستا امکان اقدام قانونی کارگران بر علیه این بی حقوقی وجود دارد. سی درصد کسر حقوق و مزایای مزد حداقل ماهیانه کارگران در دهه شصت؛ هم اکنون بالغ بر دو میلیون تومان ماهیانه می شود در حالیکه امروزه تنها بمیزان پک پنجم آنها بعنوان حداقل حقوق بازنشستگی پرداخت می کنند. در اصلاحیه جدید این غارت دستمزد و حقوق کارگران را قانونی کرده و افزایش را منوط به میزانی که بانک مرکزی اعلام می کند می داند و با توجه به اینکه رئیس بانک مرکزی منتصب دولت است و طبق روال جدید میزان تورم نباید علنی شود بانک مرکزی هم میزان ۳۰۰ درصدی افزایش قیمت ها را ۱۵ درصد اعلام می کند و لذا دولت قانوناً همان پانزده درصد حقوق بازنشستگان را افزایش داده و امکان اعتراض قانونی از طرف کارگران وجود ندارد. در چنین حالتی برای هر اعتراض به میزان دریافتی کل نظام اعم از پلیس و قوه قضائیه و امنیت و نیرو در برابر کارگران و بازنشستگان صف می کشند دریافت حداقل حقوق بمیزان ماهیانه دو میلیون تومان رؤیایی نیست؛ تصور کنید صدها میلیارد دلاری را که تنها دولت از قبل نفت در آمد داشته و بیش از نود درصد آنها هدر داده و در جاهای غیر ضروری هزینه می کند؛ در صورتیکه قاطعانه این هزینه های خانمان برانداز و بیهوده را حذف و آنها در جهت کار و تولید و پرداخت حقوق کارگران و زحمتکشان؛ معلمان؛ پرستاران؛ آموزش و درمان رایگان و تأمین مسکن مناسب هزینه کند؛ می تواند طبقات تحت ستم و اقشار زحمتکش را برای دستیابی به یک زندگی در شأن انسان تأمین نماید. در آنصورت امنیت ملی نیز افزایش یافته و با هر صدایی به لرزش و مخاطره نمی افتد!!

چنانچه بسیاری از جوامعی که چنین درآمد زیر زمینی را ندارند از طریق ساماندهی تولید اجتماعی ؛ کارگران بمراتب زندگی بهتری دارند ؛ هر چند آنها هم تا کسب تمام و کمال حقوق خود هنوز فاصله دارند .

سرقت سوابق کار کارگران

بر طبق لایحه اصلاحیه قانون تأمین اجتماعی می توان سال های زیادی از سوابق کارگران را به بهانه های مختلف بالا کشید و بدینوسیله امتیازات مکتسبه آنان را محو کرد ؛ بطوریکه کارگران تا آنجا که کمترین نیرویی در بدن دارند کار کنند . و از طرف دیگر سابقه کار برای بازنشستگی را بالا برد .

طبق ماده ۳۰ بند الف : در مورد سوابق بیمه ای فرد هر دو سال اعلام می شود و فرد حق اعتراض ظرف یک سال را دارد و در صورت عدم اعتراض فرد بیمه شده ؛ هیچ اعتراضی قابل پذیرش نیست

بند ج) کارگرانی که در یک کارگاه کار می کنند اگر یکسال از تاریخ تصویب می توانند نسبت به بیمه نبودن خود شکایت کنند پس از مهلت مذکور سوابق قابل رسیدگی نمی باشد .

بند د) افراد شاغل ظرف سه ماه در مورد ارسال لیست بیمه می توانند اعتراض کنند در غیر اینصورت تأمین اجتماعی هیچ وظیفه ای ندارد .

در روز روشن در جلوی چشم همگان و در برابر کالایی که توسط کارگر تولید شده است سابقه کار او را به این راحتی سرقت می کنند و به او می گویند که فاقد سوابق کار است پس این همه کالا نتیجه صرف عمر چه کسی است ؟

گاهی کارفرما از بیمه کردن کارگر طفره می رود و کارگر بجهت ترس از بیکاری مجبور است که سکوت کند اما طبق قانون و روال فعلی پس از دو یا پنج سال که کارگر بعللی کار را ترک و یا اخراج شد با شکایت به اداره کار ؛ با طرح دعوی ؛ کارفرما را ملزم به پرداخت بیمه کارگر و جرائم دیرکرد می نماید اما طبق اصلاحیه قانون تأمین اجتماعی دیگر نمی تواند ادعای سابقه کار کرده و کارفرما را ملزم به پرداخت حق بیمه خود نماید . اما اگر کارگر بخواهد در حین کار طرح دعوی کند این بمفهوم پذیرش اخراج و مواجهه با غول بیکاری است .

تمام این بندهای قانونی در واقع زنجیرهایی در پای نیروی کارند تا آنها را از دستیابی به حقوق خود باز دارد و کارگران را به کار در شرایط برده وار مجبور کنند .

افزایش سن بازنشستگی کارگران

حاکمیت عدالت محور سن بازنشستگی را طبق تبصره ۲ ماده ۳۶ یکجا پنج سال افزایش می دهد . سطح حقوق کارگران را در آستانه بازنشستگی با احتساب ۳۰ سال طول کارکرد کاهش می دهد . حداقل سن بازنشستگی را بالا می برد و شرایط استفاده از کارافتادگی را سخت تر می کند شرایط دریافت بازمانه گان متوفی را تنگتر و دشوار تر می کند و تمامی کارگران و بازنشستگان را از دستیابی به ماحصل دسترنج خود که طی سی سال کار در سازمان تأمین اجتماعی اندوخته اند محروم می کند .

در این راستا امکان بازنشستگی کارگران در ازا ده سال سابقه پرداخت حق بیمه (بلحاظ) سنی حذف می شود شرایط بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور بسیار سخت می شود .

با هر وسیله و از راههای مختلف دولت تلاش می کند درجه و طول استثمر از کارگران را تشدید کند .

افزایش هزینه ها بدوش کارگران :

وفق ماده ۱۷ لایحه اصلاحیه : سهم کارگر در پرداخت حق بیمه از ۷ در صد به ۹ در صد افزایش می یابد و طی تبصره ۴ آن هیأت مدیره (امناء) تأمین اجتماعی در هر سه سال می تواند سهم کارگر دو در صد افزایش دهد یعنی به ۱۱ - ۱۳ - ۱۵ و..... **نهایت به ۳۰** در صد هم برساند و از طرف دیگر همین لایحه به هیأت امناء تأمین اجتماعی مجوز می دهد که ۳ در صد سهم دولت را حذف کند و بدین ترتیب دولت سرمایه داران و کارفرمایان از تأمین هزینه کاران معاف و تمام هزینه ها بدوش کارگران قرار می گیرد .

کاهش خدمات بیمه ای :

طبق ماده ۳۴ تبصره ۱ افرادی که کمتر هزینه کنند از مقررات تشویقی بهره مند می شوند و افرادی که بیشتر از میانگین استفاده کنند موظف به پرداخت فرانشیز می باشند

ماده ۳۴ تبصره ۴ : تهیه وسایل کمک پزشکی بر عهده افراد بیمه شده قرار دارد .

در لایحه جدید : کارگر و بخصوص بازنشسته ای که بجهت شرایط سخت و زیان آور کار ؛ دچار ناراحتی های مختلف زود رس شده ؛ نه تنها فاقد بیمه تکمیلی است و در صورت استفاده هزینه آنرا می بایست شخصا پرداخت نماید ؛ لوازم پزشکی را هم در این تورم افسار گسیخته باید خودش تأمین کند و طبق اصلاحیه حتی درمان پایه را هم که هزینه آن از هزینه متوسط بیمه شده گان بیشتر باشد باید متقبل شود .

با این قانون برای آنکه کارگران بطور عموم بتوانند به کارگرانی که از ناراحتی بیشتر جسمی رنج می برند از نظر هزینه کمک نمایند یکی از راهکارها آنستکه همه تصمیم بگیرند با مراجعات بی مورد به پزشک و دریافت دارو - بدون مصرف آن - هزینه متوسط درمان را بالا ببرند . با بالا رفتن هزینه متوسط درمان ؛ کارگرانی که دچار مشکلات زیاد جسمانی هستند مبلغ کمتری خواهند پرداخت . مطابق قانون فعلی استفاده از خدمات درمانی مراکز ملکی سازمان تأمین اجتماعی برای تمامی بیمه شده گان اصلی و خانواده کارگر رایگان است اما تبصره ۱ ماده ۳۴ اصلاحیه الزام ارائه خدمات رایگان حذف می شود . و تعیین سقف برای استفاده از خدمات درمانی ؛ سلامت و عمر بازنشستگان را نشانه رفته است .

بموجب بندهای الف و ب از ماده ۳ قانون فعلی ارائه خدمات در زمان بروز حوادث ؛ بیماری ها و بارداری از جمله حمایت های الزام آور برای سازمان تأمین اجتماعی در این قانون است ؛ اما این موارد در قانون جدید حذف شده است .

در لایحه اصلاحیه ؛ وظایف دولت در حوزه بهداشت عمومی به سازمان تأمین اجتماعی منتقل می شود .

بر طبق ماده ۱ بند ۱۸ خدمات بهداشتی و درمانی خدماتی است که برای جلوگیری از ابتلاء و یا درمان بیماری و یا در صورت مصدومیت بر اثر حادثه و یا بارداری و زایمان به بیمه شده اصلی و تبعی بطور مستقیم و یا غیر مستقیم بر اساس قانون - قانونی که بعداً تدوین و کلیه خدمات بیمه ای را ملغی می کند - ارائه می شود .

گرامت دستمزد ناشی از بیماری نصف آخرین دستمزد کارگر است (ماده ۵۰ اصلاحیه)

از جمله سخت تر کردن شرایط بیمه شده گان است کارگرانی که در اثر حادثه و سوانح حین کار دچار مشکل جسمی و از کار افتاده می باشند می بایست از سه ماه قبل حق بیمه پرداخته باشند یعنی اگر کارگری در ماه اول و یا دوم کار خود ؛ بر اثر نداشتن لوازم ایمنی و حفاظت لازم ؛ دچار حادثه گردید مورد حمایت بیمه ای قرار نمی گیرد . (ذیل ماده ۴۰ لایحه اصلاحیه)

این در حالی است که ارائه کلیه این خدمات بر طبق قانون فعلی بطور مصرح جزو وظایف دولت است

اصلاحیه دولت جمهوری اسلامی در تمامی ابعاد به قطع و حرس کردن حمایت ها و امتیازات نداشته کارگران و بازنشستگان در این جهنم تورم شده است .

قانونی کردن فروش بیمارستان ها و مراکز خدماتی

بر طبق لایحه اصلاحیه ؛ هیأت امناء سازمان تأمین اجتماعی می تواند کلیه بیمارستان ها و مراکز درمانی خود را به بخش خصوصی واگذار کرده و کارگران و بازنشستگان موظف به پرداخت طبق تعرفه بخش خصوصی بوده و سازمان تأمین اجتماعی بخشی از هزینه را جبران نماید . واگذاری مدیریت مراکز درمانی ملی به معنی خصوصی سازی است و با وظایف سازمان تأمین اجتماعی بعنوان یک نهاد عمومی غیر دولتی منافات دارد . انتقال بیمه شده گان مراجعه کننده به مراکز درمانی خصوصی بمفهوم جلوگیری از درمان بیمه شده گان است و سلامتی ؛ هستی و زندگی کارگران و بازنشستگان را نشانه می گیرد .

ضرورت مقابله کارگران با طرح های خانمان برانداز

سکوت در شرایط کنونی که تورم همه هستی کارگران را می بلعد و در شرایطی که فقر و فلاکت را خانمان گیر می کند و در خانه هر کارگر و زحمتکشی را می زند . سکوت در مقابل چنین لایحه های اصلاحی؟؟ (برای سرمایه داران) که اسارت بیشتر کارگران را دارد چیزی جز تأیید احکام مرگ نیست . نباید در کناری نشست و شاهد مرگ تدریجی و زجر کش شدن خود و خانواده خود بود ما بسیاریم ؛ ما اکثریتم ؛ باید بررسی و تحلیل بحث ها در مورد اصلاحیه قانون تأمین اجتماعی را در میان تمام محافل کارگری در هنگام کار ؛ در اوقات استراحت و نهار و مجامع و محافل کارگری طرح و مورد بررسی قرار داد .

در میان دانشجویان و جوانان لازم است بطور وسیع و گسترده در مورد لایحه جدید بحث و بررسی و در مورد چگونگی ناکام گذاشتن چنین لایحه های ضد نیروی کار تصمیم گیری نمود . باید حتی بتوان مخالفت با چنین قوانینی را بمیان دانش آموزان متوسطه انتقال داد . اگر با حضور میلیونی خود حرکت کنیم در اولین گام های خود می توانیم طرح های خانمان سوز را بر باد داده و حقوق مسلم خود را محقق کنیم که همان :

حفظ قدرت خرید حقوق دریافتی اولین هدف اصلی کارگران است و امروزه دریافت حداقل حقوق برابر خط فقر که حداقل ۲/۰۰۰/۰۰۰ ماهیانه بعنوان حقوق پایه می بایست مد نظر قرار گیرد .

برقراری بیمه کامل پایه و تکمیلی رایگان برای کلیه افراد خانواده کارگران و دیگر زحمتکشان

تحصیلات رایگان برای تمامی خانواده های کارگری و زحمتکشان

دریافت حقوق مکفی برای کلیه بیکاران و تا ایجاد شغل مناسب با حقوق انسانی

و برای این اهداف باید صدای اعتراض خود را در سراسر ایران و همچنین هم طبقه ای هایمان در سراسر جهان طنین انداز کنیم .

جمعی از کارگران و بازنشستگان